

بازرسی شد  
۱۳ - ۱۷

بازدید شد  
۱۳۸۲

۸۴۵۳ - ن

کتابخانه مجلس شورای ملی

محمد نصاب الطلیسی - پدری و عربی و فرانسه

مؤلف: فرادیرزا معتداله دوله

موضوع: تاریخ

شماره ثبت کتاب: ۷۸۷۶۹

۱۱۸۹

تاریخ فهرست شده: ۱۳۸۲

۷۹۵۱



بازرسی شد  
۱۳۰۴

۸۴۵۳ - ن

کتابخانه مجلس شورای ملی

محمد نصاب الطلیسی - تذکره و عرب و فرانسه

مؤلف: فرادیرزا معتمد الدوله

موضوع: \_\_\_\_\_

شماره قفسه: ۷۹۵۱

شماره ثبت کتاب: ۷۸۷۶۹

۱۱۶.۹

۹۸۷۶

عقبت شد  
۷۹۵۱



بازرسی شد  
۱۷-۱۷

بازدید شد  
۱۳۸۲

۸۴۵۳-ن

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: نصاب الطلیسی - بنوری و عربی و فرانسه

مؤلف: فرادیرزا معتزالدوله

موضوع: تاریخ

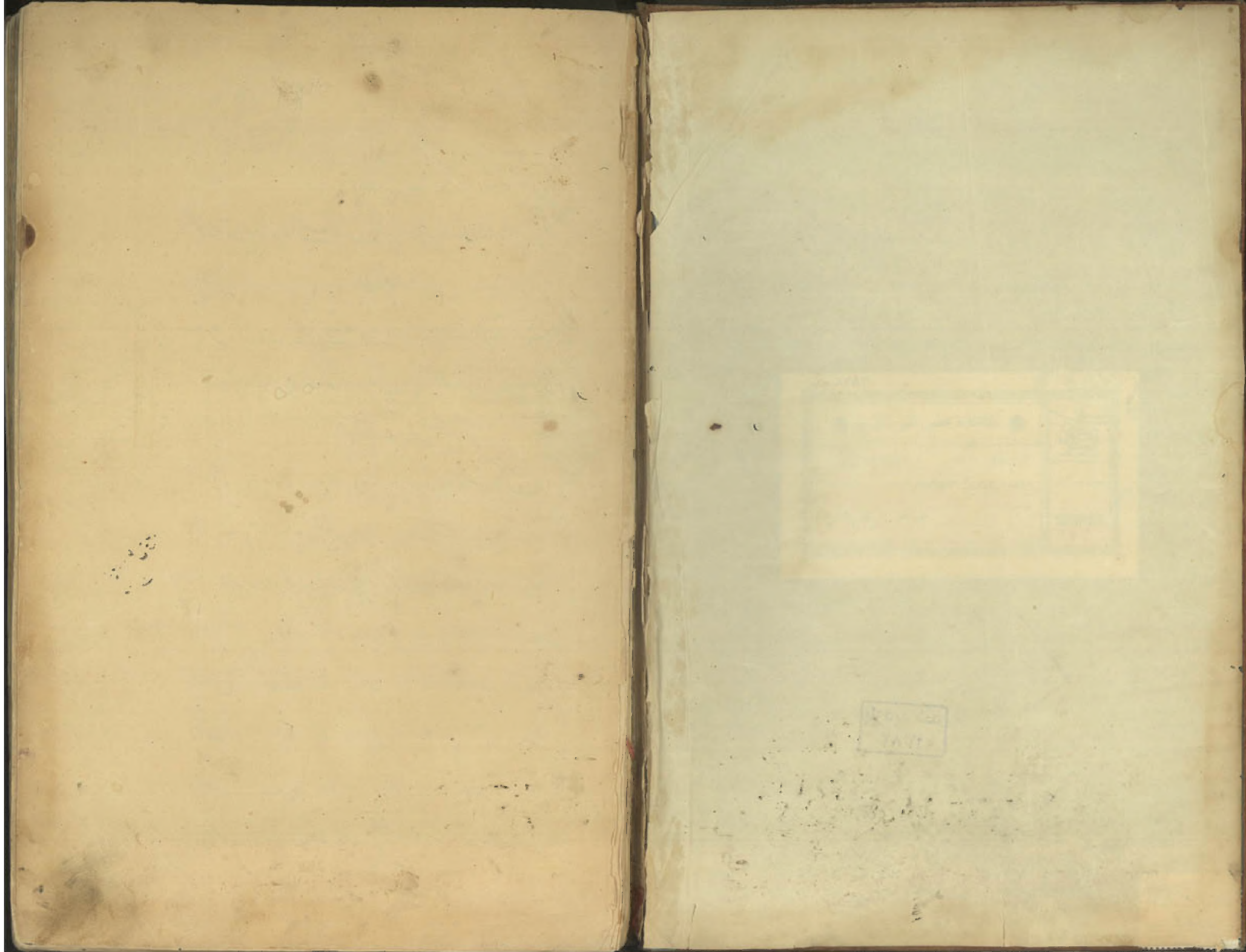
شماره ثبت کتاب: ۷۸۷۶۹

۱۱۶۹

۹۸۷۶

نسخه - فهرست شده  
۷۹۵۱









نصاب

که ازت بچ خاطر تو است طب شاهزاده عظم نایب الدوله فرما و نیز در نام

بلکه الکلمات

اینکه در حفظ با صورت کتابت کلاف دارد آنچه برشته نظم در آمد است موافق  
فضای شان است که از دو لغت و از یک صفت شده است معانی لغت  
در این لغت هر چه در لغت آمده است در این لغت آمده است و هر چه در این لغت  
نست آنکه در لغت هر چه در لغت آمده است در این لغت آمده است و هر چه در این لغت

در مدی جام می ده ای نگار ما هر که ششم آن دماغ عقل کرد و بدو  
فاصله بین علایق و علایق لغات از لغات در دل این قطعه جو  
نیز سرست و نویسی لب لببت و انجی چشم توشت دندان توشت پا و بند و دست

عربی فراخه پیر

رأس la tête سر

أنف le nez بینی

شفا la lèvre لب

عين حرف l'œil چشم دیده

نصاب  
که ازت بچ خاطر تو است طب شاهزاده عظم نایب الدوله فرما و نیز در نام

این لغت ۱۳۷

تلاک  
Hoze

دندان la dent دهن

پا le pied پا

دست la main دست

وجه مجاز la figure رو رخ

گوشه گردن از گردن چکن چکن آید ناف نایل دهن پستان بر دم خوان بر نو

عربی فراخه پیر

أذن الأذن گوش

جذع عنق le cou گردن

جبهه la joue چهره

لسان la langue زبان

سرة l'ombilic ناف

صدر الثدي le sein پستان

شعر le cheveux مو

چین دهن گشت فکر چون تو ای گلو

پیش رو سینه پست بکینه زنت

عربی  
cér



عریه فراخه پیر *la barbe* پش

*Blond* عریه *la barbe* پش

*Side* جنب *le côté* پشو

*Back* خمر *le dos* پشت

*Breast* صدر *la poitrine* سینه

*Chen* دق *la mantou* زرخ

*Finger* صبع *le doigt* انگشت

*Throat* حلق *la gorge* گلو

ازم بارو چه زانو تا گردن *le bras* بازو

*Arm* عریه *le bras* بازو

*Knee* رگه *le genou* زانو

*Thigh* فخذ *la cuisse* ران

*Belly* بطن *le ventre* شکم

پیر

ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن

چشم *le cil* مرغان مژه *Eye lashes*

چشم *le sourcil* ابرو *Eye brow*

ما بر من مگر من کفک دنیا *le monde* جهان

عریه فراخه پیر *le monde* جهان

*Moon* قمر *la lune* ماه

*Sun* شمس *le soleil* مزر

*Sky* فلک *le ciel* سپر

*World* دنیا *le monde* جهان

*Deep* عمیق *profonde* زرف

*Night* لیل *la nuit* شب

*Day* یوم *le jour* روز

*Temper* داب *le caractere* مژش

ازم بارو چه زانو تا گردن *le bras* بازو

عریه فراخه پیر *le bras* بازو

ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن  
ازم بارو چه زانو تا گردن



Spring بهار le printemps  
 Autumn خزان برگ‌ریزان l'automne  
 Summer تابستان l'été  
 Winter زمستان l'hiver  
 شرق افروز و غرب افروز  
 ایشیت شرق افروز و غرب افروز

South جنوب le sud  
 North شمال le nord  
 East مشرق l'est  
 West مغرب l'ouest  
 خاور و باختر

West مغرب l'ouest  
 East مشرق l'est  
 North شمال le nord  
 South جنوب le sud  
 خاور و باختر

بهار بهار  
 تابستان تابستان  
 خزان خزان  
 زمستان زمستان

شرق مشرق  
 غرب مغرب  
 خاور خاور  
 باختر باختر

Fire آتش le feu  
 Water آب l'eau  
 Bath حمام le bain  
 Soap صابون le savon  
 Market سوق le bazar  
 بازار

Isle جزیره l'île  
 Ocean محيط l'océan  
 Port بندر le port  
 Sea دریا la mer  
 Gulf خلیج le golfe  
 پارو از دریا

Sea دریا la mer  
 Gulf خلیج le golfe  
 پارو از دریا  
 Earth خاک le sol  
 Wind باد le vent

Earth خاک le sol  
 Wind باد le vent

Earth خاک le sol  
 Wind باد le vent



Sister	خواهر	la sœur	اُفت
Father	پدر	le père	آب
Daughter	دختر	la fille	بنت
Wife	زوجه	l'épouse	زوجه
Mother	مادر	la mère	ام
Le mari	شوهر	le mari	زوج
<p>برکت قست نیم نام است یا قسیم شیرت پراهن بودی سکریت</p>			
	عرب	فراسنه	پهر
Part	قسمت	le sort	قسمت
Name	اسم	le nom	نام
Ancient	قدیم	ancien	باستان
Shirt	قمیص	la chemise	پیرین
Skirt	دیل	la pente	دین
Gar	جبه	la cruche	سبو

بدر

درخت

00  
good  
Moon  
Blood  
Flood

شیرین گوشت گوشت بر سر کین  
خون بکده فایز چه رنگ چون لاج میاند

Sheep	غنم	le mouton	گوسفند
Goat	مغز	la chèvre	بزنج
Plaine	صحرای ممتعه	فلاوات	دشت
Blood	دم	le sang	خون
Vein	عروق	la veine	رگ
Suck	علق	la sangsue	زئو
<p>چپ را از آن شمارشجو در گداز زشت و بد را بدین گو در خور</p>			
	عرب	فراسنه	پهر
Cheap	رخس	Bon-marché	آردان
Dear	غایا	cher-ère	گران
Bad	زشت	mal	بد
Good	جید	bon	خوب

Déce

My Dear  
درخت



کتابت در کتب

باید خند افت که بکتر تار یک درخت لایت نور و الگست چون بزرگد نو

عرب فراهه باهر

رفاء l'esperance امید بوسر

ضحك le rire خنده

بکاء le pleur گریه مویه

مظلم و اج مذهب obscure تاریک

نور la lumiere تاب فروغ

قدیم usage کهنه کهن

جدید nouveau نو نو

نارست چه کوتا لاوتک آمد از نو و نو

عرب فراهه باهر

قصیر courte کوتا

طول longue دراز

بعید loin دور گالان

بزر

کتابت در کتب

قرب près نزدیک

عایا haute بلند

خضق bas پست

بشم و ل چون کاتن نعلت چپ چون

عرب فراهه باهر

عین صوف la laine پشم

قطن کرف cotton پنبه

شمال gauche چپ

میان droit راست

میان plein et پر

خایا vide خالی

درد la fleur گل گردانی

شم رایحه - کهنه odeur بو

دو کالی شیر از و چون دوست یی

Lo

کتابت در کتب

کتابت در کتب



Husk, bark      پوست      la peau

مسری la poire امرود من Plan

مجلس



Cucumber	فردا	le concombre	خار
Apricot	میش	l'abricot	زردآلو
Quince	سرخ	le coing	آلو
Peach	خوخ	la pêche	پوسته
خند بوی برآورد است خراب			
ایست اگر بچون چون کی بود کرد			
	عرب	فرانس	پارسی
Kou-much	کم	peu	چند
over	عفی	sur	بر
Except	غیر	ne pas que	جز
often	تَب	tant	بنا
It	ان	ai	اگر
Kou	کیف	comment	چون
When	اتی	quand	کجا
Where	این	où	کجا

دین

	دشتن	توضیح	در این لغت
	خواستن	خواستن	خواستن
	عرب	فرانس	پارسی
Il	ملك	avoir	داشتن
Le	سج	acheter	خریدن
Buy	عقب	voulaie	خواستن
the	مضغ	mâcher	جاییدن

بیت آخر تامل کن که تا دانی می

وله بیانی کبر اخف

خیر می ده که غم در گذشت  
فاسد است این علف است  
کا و خدا و پرافت است بی  
پر وین ان بهشت مستقر

	عرب	فرانس	پارسی
God	الله	Dieu	خدا
Prophet	پی	le prophete	پیغمبر

منی مصدر بخشند باشد لغت  
که در این لغت کتب است  
که در این لغت کتب است  
که در این لغت کتب است

پشت  
منی نیست ممت  
که در این لغت کتب است

که در این لغت کتب است  
که در این لغت کتب است  
که در این لغت کتب است



جَنَّةَ فرودس L'elysee بهشت فرودس  
 انجمن آدم و حوا بهشت کشت

عرب فراسه پسر

ملك ل'ange فرشته پسر

كنده به ل'eglise كنيت

دين دت la religion كنش

سفر جهم باويه Enfer دوزخ مردمان

انت عده است انجمن عمو مردمن چنانكه كنش

عرب فراسه پسر

عده tentه خواهر

عم uncle برادر

مرء رجل l'homme مرد

ابن le fils پسر

گن به نوبت كنش

انت عده است انجمن عمو

عرب فراسه پسر

Gun le canon توپ

Musket le fusil تفند

سج قناة عرض la lance نیزه پغال

مجن جنده سر le bouclier پسر

صبح ناگشت م انجمن بودر امروزدان دآن سحر است

عرب فراسه پسر

صبح فجر l'aube بام

مصر غا le soir شام

اليوم aujourd'hui امروز

سحر le grand matin بام و سپين پگاه

آئين آين بن کار پسر سيم سيمو شمار و گوئد ز رت

عرب فراسه پسر

حديد le fer آهن

نحاس la cuivre مس

le matin Morning

Evening

De nuit soir

to-day

9 ans

Iron

Copper



نقره فضه *l'argent* نیم  
 دهب *l'or* معبد

نیم نیک بپسند باشد که دم و دوق پنجاه لال است  
 عریه *l'oreille* پیر

آفرج *l'oeil* لک

آفر *l'aveugle* کور

آفر *l'aveugle* کور

آفر *l'aveugle* کور

نشر *l'aveugle* کور

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

Souo

نشر

نشر *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

la boutique shop

Key

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر

عریه *l'oreille* پیر







عرب فراشه پر

جardin باغ

Herbier مرغی مرغی درختچه چمن مرغزار

Bird قمر la poule مرغ

Tree تنه l'arbre درخت

آوردن و دادن آب چو آب آبان آب بر آب

عرب فراشه پر

Under down beneath زیر

There upon up فوق

بعد از شمار و قبل بعد

عرب فراشه پر

After then alors

Before پیش avant

Often often souvent

فرد

قمر Bird

تدوین و تدوین

derrière پشت

نات بودیس نبود آن

عرب فراشه پر

Not n'est pas نیست

Now déjà اکنون

Once une fois مرتبه یکبار

Here ici اینجا

آب باید بود هر چه آب

عرب فراشه پر

ought il faut باید

Why pourquoi چرا

Who qui من

Every each کل

Other autre آخر

تدوین و تدوین



1891

Journal voyage

فear      خوف      la peur



خطر le peril باک اندیشاک danger

بوقا ظرف و دختر گل به چو فسیل و بیل رشت

عرب - فرانسه پسر نیک

فقی ظریف jeune ریک Beau

صنیه la fille دختر Gout

انثی la femelle ماد Femelle

ذکر le mâle ز گشتر Hale

دیوینیت بر خفید کسین تر عبارت آخرت

عرب - فرانسه پسر نیک

la mediterrane دریای مدیترانه mediterrane

caopienne خزر بگون Caspian - sea

این دایک بر و آن دوسر گفت قم سخت من شکسته است

و ایضا دختر

نوفت کک بسیار است نام سن است مهر و دوزخ بر سر نام

مردن کسینیت و این است  
در دوزخ و دوزخ و دوزخ  
و دوزخ و دوزخ و دوزخ  
و دوزخ و دوزخ و دوزخ

بازمانده

بازمانده پسر پسر نون به نر کوز که بود در ختم کلام

عرب - فرانسه پسر نیک

شش شارق le soleil مهر خورشید شتر Sans

زهره venus ناپه زاور venus

منج le mars بهرام Mars

رطل saturne کیوان Saturne

مشتر jupiter چپ بد زاور Jupiter

مر la lune ماه Moon

عطارد mercure تر Mercury

و بحر بخت

رخ تو بخت خورشید در روق کر است خبر تو دل از غار بهرین

معا علی شلار من عقلت ز بحر بخت این قطعه زیادت

کلیک سیاه و گریخ خضر و بخت یزداد زرد و دوزخ و دوزخ

عرب - فرانسه پسر نیک

این قصه ۷۰



le noir - e اسود  
 le vert - e سبز  
 le blanc - e سفید  
 jaune زرد  
 rouge قرمز  
 le bleu - e آبی

قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است

قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است

nouvelle جدید  
 mou - molle لطیف  
 epais خشن  
 le corps بدن  
 la sueur عرق

قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است

قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است

قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است  
 قرمز را گویند که رنگ است



مینه بند گوده la ville شهر  
 درب la porte دروازه  
 برج la tour دژ بخش  
 منزل حصن la ferme ابرگ  
 خندق la fance کندن ترک

خطاب بپادشاه و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

جاده la cour  
 حوض le bassin آبگیر  
 جدار la mur دیوار  
 سلم l'échelle معراج  
 حوض le chateau قصر

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها

خطاب بفرماندها و بفرماندها  
 خطاب بفرماندها و بفرماندها



Small <sup>petit</sup> <sup>خرد</sup> <sup>کوچک</sup>

*Mellebore*      *mellebore*      مَلْبُور

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

بہارِ نبیرِ انکیرِ برت

Copy



برای قافیه خوان مثنوی است

دوش تب و خور و خور و خور است  
برای قافیه خوان مثنوی است

عربی	دانش	پاری	نکلیس
فجل	radi	رب	Radulish
خدر	la rosee	مکت	گلک
عرب	lanille	دانه	وانج
سلی	luthant	چند	Beet Root

پست چه ازین که بهتر است  
پسیر خور و خور و خور

عربی	دانش	پاری	نکلیس
درد	de mil	آرن	Millet
تین	la paille	کاه	Y traie
آرد	le riz	برنج	Rice
چین	le fromage	پیر	Chase
خبر	le pain	نان	Bread

جواب نوری است چنانکه  
مقدور است بکشد

نور

فی سرتاب

به ساقی ان می نشین  
که بشنند غم و غم و غم  
فولن فولن فولن فول  
بجز قمار و قمار و قمار  
هی دای من و شو شو شو  
دای ایشان و ایشان و ایشان

عربی دانش پاری نکلیس

He	lui - il	او
I	me - ma	من
You	vous	شما
We	nous	ما
They	leur - ils	ایشان
That	ce - la	آن
This	toi - ta	تو
That	ce - ci	این

و آمدت و آمدت و آمدت  
الی و و و و و و و و و

ای قافیه ۹۲

و آمدت و آمدت و آمدت  
الی و و و و و و و و و



عربی فرانسه پارسی  
کهنه

و et و And

اما ou یا

من de از From

الی حتی jusqu'à تا To till

مع avec با With

گذا avec - aussi چنین Such

شودین این در سوز است بیای بی آن نو و پس دین

عربی فرانسه پارسی  
کهنه

بین entre میان Through

فی dans در In

بعد encore هنوز Yet

است این و لیمو من گریست است لک و فیکت تین

عربی فرانسه پارسی  
کهنه

برگشت یعنی جمع و جمع و نام هم

نارنج l'orange فرانسه

le citron لیمو Limon

عنب le raisin انگور Grapes

تین la figue انجیر Fig

زبون تخت شاهی کون است تاج بود رنگ خسته خصوصاً کین

عربی فرانسه پارسی  
کهنه

سر ارکه le trône تشریف گاه throne

تاج اکمل couronne تاج گزن Crown

خاتم bague انگین Ring

چو از مر شاه است کوئین گنگ چو از زن بودش جوانی کین

عربی فرانسه پارسی  
کهنه

ملک le roi خرد و خدیو شاه King

ملکه la reine Queen

گر پس است یوان پخت مصر بود اندر پند چو پست است پین



عربی راسه پاری  
 یونان la grèce یونان  
 مصر l'égypte مصر  
 هند l'inde هندوستان  
 چین chine چین  
 دبی وزیر منشی پسر وزیر چوهرت تاجر تسمیه  
 عربی راسه پاری  
 منشی trompeur فریفته دین  
 وزیر le ministre دستور  
 تاجر le marchand بازرگان  
 امین solide استوار اوستان  
 مامون نجم استر ولف عمر گریو است چون گریو است حق  
 عربی راسه پاری  
 سما خضراء le ciel آسمان صرخ گزمان

نجم کوکب l'étoile ستاره اوا  
 عمر la vie زندگی  
 قبر بدست tombau گور  
 چین وقت اوان لانه حکام  
 سیه پیر باشد چو کشت است شهر است تکیه چو پیر  
 عربی راسه پاری  
 سیه حول عاظمه سال  
 شهر le mois ماه  
 شهر les mois ماهها  
 سین احوال اولم سالها بیان  
 پرمهر وعده بری تی سیه چو پیه است است خانی  
 عربی راسه پاری  
 وعده promet  
 عهد پان زینار



صفت *l'art* *میه* *Art*

پیمان *serment* *سوکند* *Oath*

بودن کس در باب چون بگوید بودن کس بگو استین

عربی *فراسه* *پای* *سیکله*

جواب *la chausse* *جورب* *Socks*

خفت *ball* *چکله* *Beer*

زشت *le bouton* *نخه* *Button*

کمر *la manche* *ستین* *Sleeve*

بودن درین لغت و عیبات *کمپ است یافت* *بسی* *پیمان*

عربی *فراسه* *پای* *سیکله*

مردول *maigre* *خفت* *Lean Thin*

غیب *defaut* *آب* *Fault*

سپین *gras-see* *کوبه* *Plump*

شمرهای قی چایین اتی یافت بودن خصل فی چون نهی آید

منه صفت است  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید  
کس که بگوید

کمپ است یافت  
بسی  
پیمان  
کمپ است یافت  
بسی  
پیمان  
کمپ است یافت  
بسی  
پیمان  
کمپ است یافت

عربی *فراسه* *پای* *سیکله*

*le the* *چای* *Sea*

*la theiere* *چای* *Sea-port*

*l'abeille* *مخ* *Bee*

*le miel* *شده* *Honey*

کمر *لخت* *چون* *چراغ* *فانوس*

عربی *فراسه* *پای* *سیکله*

*me l'un* *کمر* *Waist*

*cote* *دنده* *Rid*

*angle* *ناخن* *Tail*

*le front* *جبین* *Fore-head*

*شیر* *کشف است* *دستی* *چوب* *کین*

عربی *فراسه* *پای* *سیکله*

*gulf* *جود* *Sea*

کس که بگوید



<i>Jeune</i>	یونیه	<i>la juide</i>	یونیه
<i>Dirty</i>	گشت	<i>sal</i>	پند چرک شوی
<i>Clean</i>	طیب	<i>propre</i>	پاک پاکیزه
بودن مندر چو یک استند گردندت بپت چاه زمین			
	عربی	داسه	پای
<i>Mede</i>	معدن	<i>mine</i>	کان
<i>Sand</i>	رمل	<i>le sable</i>	بک
<i>Pit</i>	بر قفب جب	<i>puis</i>	چاه
<i>Ground</i>	ارض	<i>la terre</i>	زمین
بی کچه باشد چو نام نوشن رز و چون محاض است و شین			
	عربی	داسه	پای
<i>Baby</i>	طفل	<i>l'enfant</i>	کچه
<i>Twins</i>	توأم	<i>jumeau</i>	هم شکم جنانه
<i>Thro</i>	مخاض	<i>l'entree de l'enfant</i>	در و دره

<i>Seetus</i>	جنین	<i>Embryon</i>	کچه شکم
درینک است و می پر خ می این بنش و بگو بگو می بین			
	عربی	داسه	پای
<i>Drink</i>	اشرب	<i>bois</i>	نوش
<i>Say</i>	قل	<i>dis</i>	گو
<i>Search</i>	تقصیر	<i>cherche</i>	بجو
<i>See</i>	نظر	<i>vois</i>	بین
درینک است و شینت و شفت و گدز بسیار نوشی و بپر و بچین			
	عربی	داسه	پای
<i>Bring</i>	بات	<i>porte</i>	بیار
<i>Wash</i>	غسل	<i>lave</i>	نوشی
<i>Sift</i>	تخل	<i>crie</i>	بپر
<i>Gather</i>	اجن	<i>cueille</i>	بچین
گردیدت بالک و می بالکت ب بوس و بچ و گرین			

بگو بگو بگو



عربی	فرانسه	پاری	انگلیز
انحی	mandre	ب	Grind
انحی	larbe	لین	Lock
وزن	mesure	سج	Wigh
انج	choix	گرن	Select

وله ایضاً فی الامداد

و نیک دود و وری است و چا نورو قیو است پنج وقت شمار

عربی	فرانسه	پاری	انگلیز
احد	un	یک	One
اشان	deux	دو	Two
شش	trois	سه	Three
اربعه	quatre	چار	Four
خمس	cinq	پنج	Five

یک شش و نه است اینست یعنی نین بره تو نام گذار

مقدار  
Wien  
بجز نقطه و آن نیز

عربی	فرانسه	پاری	انگلیز
سه	six	شش	Six
سبعه	sept	هفت	Seven
ثمانه	huit	هشت	Eight
تسعه	neuf	نه	Nine
عشره	dix	ده	Ten

یونان و الویاوی است سیزده در شمار و پانز

عربی	فرانسه	پاری	انگلیز
اعشر	onze	یازده	Eleven
اشان	douze	دوازده	Twelve
فوشتر	treize	سیزده	Thirteen

فوقین چارده است و نوزده پانزده و چارده

عربی	فرانسه	پاری	انگلیز
اربعه	quatorze	چهارده	Fourteen

پانزده و پانزده



خمیسده <sup>quingze</sup> پانزده ۱۵ fifteen

یكس تین تون تین ای تین تین تین نوزده است آخر

عربی فرانسه پارسی <sup>نکلیت</sup>

seize <sup>seize</sup> شانزده ۱۶ sixteen

dix sept <sup>dix sept</sup> هجده ۱۷ seventeen

dix huit <sup>dix huit</sup> نوزده ۱۸ eighteen

dix neuf <sup>dix neuf</sup> بیست ۱۹ nineteen

بیست و نوبتی بیست سی بود فارسی چهل و چهار

عربی فرانسه پارسی <sup>نکلیت</sup>

vingt <sup>vingt</sup> بیست ۲۰ twenty

treinte <sup>treinte</sup> سی ۳۰ thirty

quarante <sup>quarante</sup> چهل ۴۰ forty

ست پنجاه فی قاصد لفظ فی مجموعین در خبر

عربی فرانسه پارسی <sup>نکلیت</sup>

عمر

Three hundred  
Four hundred  
Five hundred  
Six hundred  
Seven hundred  
Eight hundred  
Nine hundred

خون <sup>quingze</sup> پنجاه ۵۰ fifty

هفتاد و صد و بیست و پنج نام تو هفتاد و گرفته

عربی فرانسه پارسی <sup>نکلیت</sup>

cent <sup>cent</sup> صد ۱۰۰ hundred

deux <sup>deux</sup> دویست ۲۰۰ cents five hundred

تا هزار از دویست افزائی در مات ای که در عمل شیار

الف نوزده و دان تو نوزده حساب محاسبین و چهار

عربی فرانسه پارسی <sup>نکلیت</sup>

mill <sup>mill</sup> هزار ۱۰۰۰ thousand

deux <sup>deux</sup> دویست ۲۰۰۰ mill five thousand

تا آفر چینی بود دیاب و فارسی عدد الف

One Thousand Two Thousand Three Thousand

Four Thousand Five Thousand

Six Thousand Seven Thousand

Eight Thousand Nine Thousand

نکلیت  
عربی  
فرانسه  
پارسی

نکلیت  
عربی  
فرانسه  
پارسی



Heute  
Hundert - Tausend

Leopard      سبتي      *leopard*

11.

*Sans*      *contenant*

لَمَّا مَضَى مَلِكُ دُرُومِي مُنْتَهِمًا



موج تیار آید  *vague*  نره خراب کوبه  *Vague*   
 فلك  *le navire*  کشتی  *navire*   
 غرف  *rade*  به یارون وند  *rade*   
 گرم است و گرم بانیخ  *بر خندان*  تهریت آمد  *هو محمل*   
 عربی  *فاسه*  پاری  *بکلیه*   
 حر  *chaleur*  گرما  
 عار  *chaud*  گرم تفت  *Hot*   
 حمد  *la glace*  یخ منر  *Ice*   
 صبارت  *la gelée*  یخندان  *Frost*   
 مقبل  *Temperi*   
 گریزه و  *فراع*   *سپین*  و  *جان*   *و کجا*   *کمال*   
 عربی  *فاسه*  پاری  *بکلیه*   
 ربع  *metre*  کر  *جان*   *Gand*   
 ربع  *noud*  کر  *Such*

چون بخت  
نشد

چون که از این کتب در هر روز  
در هر روز که از این کتب در هر روز  
در هر روز که از این کتب در هر روز  
در هر روز که از این کتب در هر روز

فراع  *la candee*  آتش  *Candee*   
 شبر  *supran*   *دشت*   *اودش*   *Supran*   
 خ است دوت بک  *فاسه*   *پاری*   *بکلیه*   
 عربی  *فاسه*  پاری  *بکلیه*   
 صل  *origine*  بخ  *Best*   
 ورق  *la feuille*  برگ  *Leaf*   
 سرور  *plaisir*  شادی  *Joy*   
 غم  *chagrin*  اندوه  *Grief*   
 متصل  *toujours*  همیشه  *Point*   
 منفصل  *desirée*  گشته  *Disjoint*   
 غزال  *فاسه*  پاری  *بکلیه*   
 عربی  *فاسه*  پاری  *بکلیه*   
 غزال  *lames*  ماشو  *Veine*   
 آجر  *laque*  الور  *Brick*



مِخَاه *la hiche* پیل  
 میوَل *pioche* کلنگ  
 جَار وِتا *maçon* کلنگ  
 طین *la boue* گل زئو  
 سَنک سیاهان سَنک سیاهان *la boue* برنی چو سَنک سیاهان  
 عربی *فرانسه* پاری  
 رَحْمی *la hiche* سَنک سیاهان  
 حَمان *maçon* سَنک سیاهان  
 شِعر سَنک *large* جو  
 حِطَه بُر قَح *le hiche* گندم  
 طاحونَه ناعور *maçon* سَنک سیاهان  
 سَنک سیاهان *la hiche* رَشو پَر قاضی است جَدج جَدج  
 عربی *فرانسه* پاری  
 عَبد رَقِيق *camarade* رهی بندہ گروگان  
*slow*

قَر *libre* آزاد  
 قَر *droit raison* دَست پَدَه  
 شَرع *religion* کیش این  
 رَشوَه *le present* فرج لاج باره  
 قاضی *le juge* موندہ مہرہ وِچرگر  
 باغی طاعنی خارجی *Rebel*  
 شِفَت دَور اہرن *le voleur* سَنک سیاهان  
 عربی *فرانسه* پاری  
 سارق *le voleur* دَور  
 قاطع الطریق *brigand* راہرن سَنک  
 سِرقت *voleur* دَور  
 حکمران *comandant* قومی  
 ذَنب جَرَم *pecher* گندہ گندہ  
 مَغْفِرَة عَفْو *pardon* گندہ گندہ  
*Parole*







شغال *honte* از گن  
 حُل *honte* شرمند  
 بنای خنجر یی چون سپر *garni* گبرل جبریل دان پس و شطان خان دول  
 عربی *garni* باری  
 جن *garni* پری  
 روح *garni* روح جان روان  
 جبرائیل *Gabriel*  
 ابلیس شیطان *diabole* دیو  
 قیامت عقاد *diabole* ایمان دان  
 عربی *diabole* باری  
 عقاد عقیده *foi* نمشته  
 انکار ایمان *scepticisme*  
 مؤمن *propre* فرمود  
 کافر *paucune* دود

کتابخانه  
 میرزا حسن  
 قزوینی

باید نیست همی اهل نعیم *benediction* کاندید اهل باویه چون باویه کوئی تو  
 عربی *benediction* پاری  
 نیست *Bless*  
 اهل نعیم *benit* بستی  
 اهل باویه *condamner* دوری  
 باویه *enfer* دوزخ  
 گزین *Hell* اولاد و نوادگان اولاد  
 عربی *Hell* پاری  
 Cousin *Cousin* اولاد و نوادگان اولاد  
*Niece* اولاد و نوادگان خواهر  
 والدین *parent* پدر و مادر  
*well* دل  
 کول *well* کول است فم  
 عربی *well* پاری

کار  
 Curzon  
 Newell



تورture <sup>سنگین</sup> با یک پاکت <sup>تورture</sup>

Punishment <sup>آزار</sup> <sup>punition</sup> عذاب

Coal <sup>گدازه</sup> زغال <sup>charbon</sup> فحم

Alaga <sup>زبان</sup> <sup>flamme</sup> شعله <sup>چون گشت</sup> شعله شد بدن گوی <sup>تورture</sup>

عربی <sup>پارسی</sup> <sup>نخله</sup>

Gout <sup>goutte</sup> <sup>نقرس</sup>

Goutte <sup>goutteux</sup> <sup>نقرسی</sup>

Consumption <sup>phthisique</sup> <sup>مسل</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>سل</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>پیشانی</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>عربی</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>مسل</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>عربی</sup>

Consumption <sup>کاشی</sup> <sup>phthisique</sup> <sup>عربی</sup>

Halo <sup>دایره</sup> <sup>Halo</sup> <sup>برون</sup> شاد و در <sup>خمر</sup>

Eclipse <sup>گرفت</sup> <sup>Eclipse</sup> <sup>خوف</sup> و گرفت

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>

Shadow <sup>سایه</sup> <sup>ombre</sup> <sup>نخل</sup> <sup>فی</sup> <sup>شج</sup>



فعل مضارع *passé* کار گذشته  
 آینده *prochain* آینده  
 ممکن *possible* شونده  
 محال *impossible* نشونده  
 افسوس آن اعیان و ثواب که در دنیا باقی بماند  
 عربی فرانسه پارسی  
 آه آه *helas* افسوس درین  
 ایضا *aussi* نیز هم دیگر  
 قط *jamais* هرگز نه  
 کثیر *beaucoup* بسیار آفرین  
 ممکن *qui sont* باشند که  
 محتمل *peut-être* شاید بود  
 آن که در این آواز بی هوای است و چوای  
 عربی فرانسه پارسی

الا ان *à moins que* مگر این  
 من *de - du* از  
 و آن *ce est cette* اینست  
 یا ایها *oui* آری  
 بل *oui* آری  
 مثل شبیه *pareil* آنرا همانند  
 مساوی *également* هموار  
 فعل است و در این دو اسم چون در این جمع منفرد  
 عربی فرانسه پارسی  
 فعل *le verbe*  
 اسم *le nom*  
 جمع *pluriel*  
 منفرد *singulier*  
 حرف *mot*

و آن که در این کتاب

و آن که در این کتاب



باشد نوشتن فمینیون است بگو چون مکرر گویند باشد نوشتن سیمی چون فمینیون

عربی فرانسه پارسی

فمینیون

مکرر

مستوی

خرفه

برای مکرر در مجلس اگر گویند که در حال نوشتن است

اگر باشد یا غیره و میگویند که در حال نوشتن است

گویند که در حال مکرر باشد و میگویند که در حال نوشتن است

فمینیون که در سیمین است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

بنامات غیره و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

خوانی سیمین است چون نوشتن سیمی باشد و میگویند که در حال نوشتن است

عربی فرانسه پارسی

نهی

نهی

تشییه

گویم ادا معرفه گویند و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

عربی پارسی

برای ادا معرفه عبارت از حرف است که در آن به وصل می شود

که بیان کند تعریف و اخبار و گویند که آنرا میگویند که در حال نوشتن است

Give me the book

که کتاب همین معهود مرا است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

که ادا معرفه است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

گویند که ادا معرفه است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

خوانی سیمین است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

برای وقت که ادا معرفه است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

آنرا میگویند که ادا معرفه است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است

برای ادا معرفه است و آنرا میگویند که در حال نوشتن است



نصفه کاهم بهر کاهم

بشکن رک آفرینش می آید گم بر زبانی می گویک می بند شست برین می گوی

عربی	فانسه	پای	انگلی
کتر	casse	پکن	Break
آیلین	suspend	آویز	Hang
تعال	venir	می آید	Come
صَب	verse	میزد	Pour
خُذ	prend	میگیر	Take
اُتد	attache	می بند	Shut
اکب	ecris	نویس	Write
قل	dis	می گو	Tell
آموزش می مانتیک بدارت می کشد		آموزش می کشد	
عربی	فانسه	پای	انگلی
تغم	fabrique	می ساز	Make
تغم	fabrique	آموزش	Teach

ن

دع	hausse	مکدار	Ice
اجز	ture	می کش	Draw
اشقل	inflammation	نفرور	Light
قز	pus	گرز	Run
اشمع	écute	بشنو	Heur
بج	vend	نفرش	Sell

این دوت کاصند فعل امر است

افکندگت آموخت مات در شهر کاهم بشنید بر دیرد گیت ترند قادی

عربی	فانسه	پای	انگلی
صح	jete	افکند	Cast
تغم	insigne	آموخت	Taught
ضرب	frappe	زد	Struck
زجر	blase	اندو	Wound



سمیع	entier	بسیار	Heaven
قطع	couper	بریدن	Cut
لبط	regard	نگاه کردن	Scout
سقط	tombe	افتادن	Fell

اینست که سینه غل ماضی است و در غل می افتد گویند

### فصل فی البروج

برای این انگلیس کرد است اخذ کنون با هم نسبتی حل بود این  
 تا روشن شود و دیگر شمارش چنانی بوی کس خراجک از پی تریس  
 اسید بود و نام سنبله و گوشت توی بر آرا میزان شمس فی  
 شمار خراج کار بود و باور گوشت درست در نظر حکانه مرید پس

بر کوه چنان در جملان این نم نماید و چنان

در پنج و بیست و نه است و در این کوه

با این سبب که در شمس و در این کوه

لکان و جدی سبب بود که بکار زن چو دلو را اگر شمس مار چو پستین

عربی	فرانسوی	پارسی	انگلیسی
حل	Belier	بره	Aries
ثور	Taureau	گاو	Taurus
جوزا	Gémeaux	دو بکر	Gemini
سرطان	Cancer	خرچک	Cancer
اسد	Lion	شیر	Leo
سنبله	Vierge	خوشه	Virgo
میزان	Balance	ترازو	Libra
عقرب	Scorpion	گرم	Scorpio
قوس	Sagittaire	کمان	Sagittarius
جدی	Capricorne	بز	Capricorn
دلو	Verseau	دول	Aquarius
حوت	Poissons	ماهی	Pisces

فی بحر انصاف



ای آفتاب روی تو خورشید تجا	و رموی عنبرین تسنیل چ بخت
منقول فاعلات معاعیل فاعلات	سحر مضارع است ماین سحر
اگ تخم مرغ باشد خاکباز تو ملک	سجی برات و قیامتش در ملک

عربی	فرانس	پارسی	انگلی
بیضه	au/	تخم مرغ	egg
عجده	omelette	خاکباز	cricket
مرق	رید	سجی	Beech
کباب	steak	تخم مرغ	Hash
عربی	فرانس	پارسی	انگلی
دجاجه	la poule	ماکیان	Hen
فرخ	poulet	جوجه	chicken
دیک	coq	خروس	Cock
بوقلمون	l'indien		Duck

عرب	فرانس	پارسی	انگلی
عصفور	corbeau	کلاغ	Crow
عش	nid	گنجشک	nest
بیت	maison	خانه	House
صدای	crier	جغد	Crow
خراب	ruine	ویران	Ruin
عربی	فرانس	پارسی	انگلی
سرخ	selle	زین	Saddle
زمام	man	لجام	Bridle
سگینه	bride	دبمه	Bit
فرس	cheval	اسب	Horse



سَبَك	حَافِر	sabot	نَم	سَب	Steeple
رَكَاب		cheval			Stomach
<p>سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا          سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا          سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا</p>					
عَرَبِي	فَاصِلَة		بَارِي		سَبَكُ
كَب	لِيَاكُل		وَسَبَّحَان		School
مَدْرَسَة	college	ecole			College
قَلَم	لَا پْلُم	quill			Pen
جَبَر	مَاد	crayon			Ink
كُتَاب	صِفْهَة	livre	مَامَة		Book
<p>سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا          سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا          سَبَكُ الْمَكْتَبَةِ أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا</p>					
عَرَبِي	فَاصِلَة		بَارِي		سَبَكُ
جُمْلَة	proposition				Sentence
كَلَام	حَدِيث	parole	وَأَشْرَاف		Moral
بَحْث	دِسْپُوتَة	dispute	كَادِب		Dispute

إِفَادَة	profiter	يَاوَدَان	Lecture
دَرْس	leçon		Lesson
جَوَاب	reponse	بَارِي	Answer
<p>وَالطَّبِيبُ دَعَا إِلَى مَدِينَةٍ دَوَا          وَطَبِيبٌ دَعَا إِلَى مَدِينَةٍ دَوَا          وَطَبِيبٌ دَعَا إِلَى مَدِينَةٍ دَوَا</p>			
عَرَبِي	فَاصِلَة	بَارِي	سَبَكُ
طَلَب	medecin	بَرَكَة	Doctor
دَوَا	عِلَاج	remede	Medicine
سَقَم	مَرَض	malade	Ill
مَرَض	دَف	maladi	Disease
فَرَس	مَاد	cheval	Beast
<p>أَسَوَدَ الْوَلَدُ الْبَيْتَ الْبَيْتَ          أَسَوَدَ الْوَلَدُ الْبَيْتَ الْبَيْتَ          أَسَوَدَ الْوَلَدُ الْبَيْتَ الْبَيْتَ</p>			
عَرَبِي	فَاصِلَة	بَارِي	سَبَكُ
مَرَقَة	tranquille	أَسَوَدَة	Tranquill
مَوْجَة	trouble	أَسَوَدَة	Perplexed

أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا  
 أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا  
 أَمْرٌ وَجَدْتُ فِيهِ كَلَامًا



Waste	بهر	شست	Aperte	تجیل
Bruise	بروا	هم	grec	خوف
Fear	تپ	بیانی	angoisse	اضطراب

محرور دس با پند منعم ساؤل بس است برین مطرب کا

Disappointed	نومید	پاری	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی
Despair	ماتوس	موت	عربی

Oldness	پری	jeunesse	برم
Youth	جوانی	jeunesse	شباب

شبنم دیو ورف چه تو رنگین و سر قرمز چه زینب و امیر جبار

Deu	افکند	پاری	عربی
Snow	بنانک	la neige	سندی
Hail	گرگ	grêle	ثلج
Rain	سرویه	ciel	غرض
Bubble	کوبله	bulle d'air	فوج

روم است اطاق ایفر خشت خانی کولت اچو جان و سیر چوب

Boon	اطاق	chambre	عربی
Mole	گشا	ammon	عربی
Tight	تنگ	choit	عربی



کاف کمرنگ *couverture*  
 نوم زقاد خواب *songeant* بوشاب  
 و بخت است باطن معنی تنگ می چون سیرت کشت عرق این سیرت  
 عربی فرانس *carafe* تنگ می *carafe* باسی  
 بلبله صراحی *carafe* تنگ می *carafe*  
 عرق *l'au-de-vie* *l'au-de-vie*  
 شراب خمر دام راج *vin* باوه بجزاز *vin*  
 ریت تر و غایت است شمر چون فانی *vin* کلب محض از غلط آمد و صواب  
 عربی فرانس *verite* راست *verite* باسی  
 صدق *verite* راست *verite*  
 کذب *mensonge* دروغ *mensonge*  
 کذب محض *mensonge*  
 غلط *faute*  
 صواب *juste* درست *juste*



دانا است و از قول سفید به دست *raison* رفیق من امضایه خوان چایز شتاب  
 عربی فرانس *raison* باسی  
 عالم *raison* دانا *raison*  
 سقیم *ignorant* پختا *ignorant*  
 آینه *sat* گول *sat*  
 مضائقه *refuser* پختا *refuser* دروغ داشتن *refuser*  
 استیجاب *chasser* بریدن *chasser*  
 بچ و دانی نوگر و لست *chasser* رغبت به بائید این نشین *chasser*  
 عربی فرانس *riche* باسی  
 غنی *riche* توامر *riche*  
 ساین فقیر *pauvre* کدا *pauvre* درویش *pauvre*  
 مال ثقیب *riches* خواسته *riches*  
 رغبت *priser* خویش *priser*  
 استیجاب *envier* بیکسو شدن *envier*

اینکه و نشین

Rich  
 Rich



عربی      مرثیہ      پاریسی      سہ کلمے

Warp            Loom      

Flute      نانی      flute      میرزا

Guitar      رباط      guitarra      عود

Shorstet *شورست* *muscia* *مشراب*

باب رده جاذبه Befehl

خبر خوش ببرد و آید آهو در کلف  
بر آست خرم و قیل القیت و نکیت

عربی و فلسفہ باہمی

ازب le lapin hare

Antelope       antelope of      ضبی

نائب میرخان سید کریم

دوب = Double

فیل Elephant پیل

نات defense فاشك

چون مستطیس شد و مکتوحه فان چون کبر و جسد آمدن و حق خواند

عربی      فرانسیسی      پارسی      سانس

*Nestress* *—adams* 18  
25

Misses 1842  
inaccessible 2/2

*nigiri* نغیرہ *nigiri* نغیرہ

نقاب      swile      روی      rail

باشد در تبادید و شمرستی  
بجز آیت آمد بر وفای شما

عربی و فلسفہ و تاریخ

بادیه بیدیه تیه dissent کویو یولخ بیابان Desert

Thirsty      شایسته      saif      طمان

Infusum <sup>سیر</sup> parocuter اذیت

Reproach      عتاب      reproche      نارحوا

امیر کدخدای قزوین بیست و یک سال  
دستی خفته ماس فربل بود و لاله خورشید

امرگند زمرود چون دای آفتد ماس

[illegible]



عربی	فرانسوی	پارسی	نخله
زمرد	amaraud	زمرد	Emerald
ح باقوت	rubis	برکن باکند	Ruby
م ماس	vitre	آینه	Diamond
لؤلؤ	perle	مروارید کسیرج گوهر	Perle
عربی	فرانسوی	پارسی	نخله
طول	longueur	دراز	Longitude
عرض	largeur	پهن	Latitude
مخمر	ore		Or
شباب	metore		Meteor
چون منطقه است زو و یک و چو یک		خط است و است چون گویند که	
عربی	فرانسوی	پارسی	نخله
میتقه	cinture	کمر بند	Cinture

عربی	فرانسوی	پارسی	نخله
قطب	pole	نشین	Pole
خط استوا	equateur		Equateur
کره	sphere	گوی	Globe
عربی	فرانسوی	پارسی	نخله
محرم محرم	Januay	فروردین	Janvier
صفر	Febuay	اردیبهشت	Fevrier
ربیع الاول	March	خرداد	Mars
ربیع الآخر	April	تیرماه	Avril
جادی	Mai	مرداد	Mai

این بیت آخر قطعه فی الشهور از صفات نخله است  
 ماههای انگلیسی شش ماه بخلاف ماه آوستان بود جنواری مثل  
 جنواری قمر واری میخیزد و در این ماه بر مریخ و جوی گیت میدان متصل  
 از پس شمس که در شمار دی و سیا از نو بر چرخ سپهر می نماید متصل  
 ماهشان این اول هر شان می باشد از جدی باشد و زود و در فصل

۲ نخله سپهر قمر واری پس میخیزد و در این ماه

خط استوا و خط استوا



juin	جادی	شهرورماه	June
juliet	رجب	مهرماه	July
août	سحان المعظم	آبان ماه	August
septembre	مضان	آذرماه	September
octobre	شوال	دی ماه	October
novembre	ذو القعدة	بهمن ماه	November
décembre	ذو الحجه	اسفند ماه	December

اگر چه بهای و بیاری و انچه می بخشد فی حق محبت با یکدیگر نمی تواند بود  
 خیال می نویسد ای شک لبستان مراست من و همه در بیان دار  
 مغایر قیادت من عین فسادت ز بحر محبت و کشتن بر اوردن آواز  
 پر پر حمد و ثنائت نکند و پس کام چو در شیب است بجای آواز  
 عربی مراد پاری ~~نکله~~  
 حمد نما grace سپاس دزد  
 شکر merci  
 سلام paix

adorer	عبادت	Worship
priere	صلوة	Prayer
نمونه	نمونه	
پاری	عربی	
ha sine	نفس	Bracthe
عاقبت	آخر	Conclusion
moment	لحظه	Moment
Commencement	اول	Commencement
پاری	عربی	
paon	طاوین	Pavon
perdre	کری	Parloir
perroquet	بنیاد	Parrot
aigle	عقاب	Eagle

عقاب انچه باریت طوطی گویند











لکین	لک	لک	لک
العیاذ	مباد	ازیرکه	ازیرکه
گزار	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
زین است	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
عربی	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
چینه	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
منه	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
لاصل	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
کایما	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
ایما	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
عربی	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه
جیل	ازیرکه	ازیرکه	ازیرکه

ای واز وری الله وین  
بنی فریم یا ویر آگاه  
وینک وین  
بنی وین پس

بیوتی فل جمیل است مریدیت  
کرشمه خوی چون گوشت ری  
عربی  
جیل

غمره	کرشمه	کرشمه
لال	کرشمه	کرشمه
شکاریم	کرشمه	کرشمه
عربی	کرشمه	کرشمه
صید	کرشمه	کرشمه
محب	کرشمه	کرشمه
مشار	کرشمه	کرشمه
جناح	کرشمه	کرشمه
صفر	کرشمه	کرشمه
کرشمه	کرشمه	کرشمه
عربی	کرشمه	کرشمه
جز	کرشمه	کرشمه
ملون	کرشمه	کرشمه
سکیم	کرشمه	کرشمه

کرشمه وین  
کرشمه وین  
کرشمه وین



بصل *oignon* پیاز *oignon*

قطعه فی امام الاسبوع  
امام هفته را بپزائی که هفته یک  
روز شنبه را بشمارد و روزی  
پس از بپزائی و روزی دیگر  
شنبه شمرده است برای وقت

عربی *فرانس* پاریسی

اسبوع *semaine* هفته *Week*

الاثنين *dimanche* اول *dimanche* یکشنبه *dimanche*

الاثنين *lundi* آهون *lundi* دوشنبه *lundi*

الثلاثاء *marodi* جبار *marodi* شنبه *marodi*

الاربعاء *mercredi* دبار *mercredi* چهارشنبه *mercredi*

الخميس *jeudi* مونس *jeudi* پنجشنبه *jeudi*

الجمعة *vendredi* عرو *vendredi* آدینه *vendredi*

شبت *samedi* شنبه *samedi* *Saturday*

فی بحر خفیف

ای ترک بدوی منانه بامی و فی ودف و چانه  
مفعول و معانی فعلن شد بحر خفیف در ترانه  
کاهو لیتش و طبری قوت و اثر ملین است هندوانه

عربی *فرانس* پاریسی

خس *caulus* کاهو *caulus* *Saltuco*

قضا *mur* قوت *mur* *Mulberry*

فنج *pastique* هندوانه *Water melon*

لو کین کس است نام مرآه لاک است و گوشت زلف شانه

عربی *فرانس* پاریسی

مرآة *glace* آینه *glace* *Looking glass*

صنغ *serure* کلاه زلف *serure* *Lock*

مشط *peigne* شانه *peigne* *Comb*



دانی بخت را خوش و خوب بین ذلت و کج رازمانه  
 عربی فرانسه پارسی  
*agréable* خوش خوب *Plaisant*  
 ذلت *bas* خوار *Mais*  
 زمانه *age* روزگار کیهان *Age*  
 زود است چون بیدار *jeune* جوانی پریشانی  
 عربی فرانسه پارسی  
 عجل *vite* زود *Jeun*  
 سندان *rapides* کشتی *Vaut*  
 عذر *prétexte* بهانه *Excuse*  
 بیل است برات چون بنی پول گوئی تو زور رخساره  
 عربی فرانسه پارسی  
 برات *maître* کاغذ *Billet*  
 ورق فلس پول *monnaie* *Money*

خزان کثر *fortune* گنج *Trésor* نوبه  
 بتاب بخت و پول کاسه انت است چومور و پول  
 عربی فرانسه پارسی  
 دیش *assiette* بشقاب *Plat* تیشی  
 کاس *bol* قصه کاسه *Bowl*  
 غل *fourmi* مور *Ant*  
 قره *trou* لانه *Mole*  
 کوشین و سپید پوش فرش است فلور و بوم خانه  
 عربی فرانسه پارسی  
 مبنده *coussin* وساده *Cushion* بالین *Pillow*  
 فرش *tapis* هر چه گسترده *Floor*  
 بیت *maison* خانه *Home*  
 اسیر و سپ است باش *prison* مراقه و رطوبت و ستانه  
 عربی فرانسه پارسی



مر قاة قصه escalier پله پله  
 رطوبت نداشت humidat نرمی نرم  
 حصه عتبه saul رستاهستانه  
 بانه چه ولید و مره و مونس باغی کوک و چونین  
 عربی فوانه باری  
 ولید marmot کوک  
 مر آه قعده femme زن  
 Womanly زنانه  
 سیلی سلی است چون دهن فیت است چو شکر جانت  
 عربی فوانه باری  
 صفع soufflet سیلی  
 فم bouche دهن  
 دقت poigol پشت اوز  
 ذقن montcan چانه منه  
 jaw

فل است چو طیر پاست بجه نیت دام بود گرین دانه  
 عربی فوانه باری  
 طیر poule مرغ  
 محب patte پاچه چنگال  
 فتح شبکه شرک filet دم نمه جال  
 برز grain دانه  
 گر یک سیرت و پسل پس مادر شناس یانه  
 عربی فوانه باری  
 فوم ail سیر  
 منجار pilon دشته یاور  
 ناخن mercur بانه  
 تون نه قصه چه چونین ده مرخص شری همی کرانه  
 عربی فوانه باری  
 قصه velle شهر خود تومن  
 Loure



قره کفر village  
خانیق کرانه کانه marge

فی بحر الخیر

از نوی زلف یار دی شد خانه ام رشک است و در حجاب بوسه اش صدر قائم  
مستفعلن مستفعلن مستفعلن خوافی تو در بحر ضرر روانه شد خفای

عربی فرانسه پارسی

پاپیٹون papillon فرشته

خارش *cham-kan* شبیه خویز سوار کردیت  
 خوش به نام نابوت کافین قبرم قالی است کردیت که دست چون کوبان

بر ابرئیس

عربی      فرانسه      ماری      کلمه  
Embrace      به آغوش گرفتن

*Ambraser*

Shumli. *شمبر* pance

باب ۱۰۰ جازعہ کا ہود کا ہود کا ہود

میر: بدف لائبریری

60

قالی شادو tapes Carpet

نُجَار عَجَاج قَرَمَن گَر و Dust

باری *nalle* پوریا *blaj* *Plot*

خزان عباد یسند روایت قبا ان یسند وان  
و یلم حق بانی بود ال است

عربی فرانسیسی پارسی

*Theodoret*      *جورجيوس*      *parricid*      *اوربا*

وفاقیہ کے لئے

Wil. Schindler

وَمِنْهُمُ الَّذِي يُدْعَى بِمَنْزِلِهِ *gomic* حَرْبٍ

وادی کی چوٹی پر ریج فائن میں ہمالیہ

عربی فرائض پارسى

valley      وادی      خرد      فرغ      valle      وادی

فله و نه سیمج سیرلوه چکاد *Pielge*



Fountain	عين	عين	عين
Will	مل	مل	مل
Serpent	حیه	عقش	این مار
Ice	ضم	ennoi	دمن
Wing	اَبَره	signillon	نیش
Great	خوش	taison	بسته
	پان یزد	دشمن	تیر وین
		ابا	کرنین
		توده	پست
		پست	پست
		پست	پست
Penicil	خجهر	poingnard	دشمن
Sharp	صدید	pointe	تیز
Weapon	اسلحه	arme	جانه
Guill	کلیل	bourd	کند
Slaves	انبار	depot	جایش
Shop		tas	توده

دل آلوده می کند

Sail	دنب	quene	دنب
Rat	قرب	rat	فلقه
	سپایز	غارت	جرم
	پس	نرم	پس
	پس	نرم	پس
	عربی	فارسه	پاری
Spoil	غارت	pillage	نهب
Guilt	جرم	pecher	گناه
Oblige	منت	obligation	
Lot	قرعه	lotterie	بکت
Shower	بارش	verse	بارش
Even	مسطح	plain	هموار
	است	پوش	چال
	عربی	فارسه	پاری
Spoor	قاش	ceuil	قاش
Sock	چکال	four-soth	چکال

اولی که در لغت آمده است





Night Miran note  
 Banquet fete ولیمہ مٹھانی جشن  
 Night bazaar بازار شمالود  
 Day shamshah شاه شیراز امروز  
 Night shamshah شاه شیراز امروز

عربی	فرانس	پارسی	پنجابی
فنی	coq	آہوی	Hart
فنیہ	cheuram	آہویاد	Roe
کبکس	delier	قوچ	Bram
ضان	lobes	پیش	Ewe
کلبہ	chienne	ہالک	Bitch
چجر	fumant	ہالان	Hare
قط	le chat	گربه	cat

بیدارو ایک فہرست پڑھو یا دیکھو جو چاہو  
 بیاریک حمی و چون قال و قبل و بعد

عربی	فروغ	پای	انگلیز
سهرن	یقظان	social	Awake
بدر	green	ختم	Seal
رؤیا	reine	کوشا	Dream
برغوم	bourgeon	غیر	Bud
مرض	salade	سار	Sick
حمی	fièvre	تب	Fever
قال قیل	canon	سخن	Chol

شده باشد مثلون مختار گن سخاوتین یک قسم باشد انکا کا و لامی کم نیست

عربی	فرانس	پارسی	انگلیسی
سراويل	pantalon	پانٹالون	Pantaloons
مخلّاه	sac	توبره	Bag
	ipingle	سَنَاق	Pin
chapeau	قشّی اٹکا	چترپتی	Hat

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين



نبوشت روت اوخت بنان پوشید و بر بخت  
بفرخت سوله برخواست نوید بر بخت

عربی	فرانس	پارسی	نیکه
کتب	carat	نبوشت	Weight
سدل	saddles	اوخت	Wing
لبس	porta	پوشید	Hone
اخذ	prond	برخت	Seck
باع	and	بخت	Sold
قام	shira	برخواست	Rise

فرق فرق  
کلاست الی بعض سمع است ای بخت  
اینهاست فریادها و فریادها  
فرق فرق

عربی	فرانس	پارسی	نیکه
کل جمع	tout	همه	All
بیش	plus part		Some
معدوم	rien	هیچ	Any

کذا	quasi	چنین	So
همواره	seu	اینجا	There
اولیک	quasi la	اینجا	There
هرا	quasi la	اینجا	There
ذاک	quasi la	آن	That
بناچه فی بلاچه میل خاموشش رخ		استغفار و تحسین اوست فی ولدی کردیدت	
عربی	فرانس	پارسی	نیکه
بنا	fa done!	نفرین	Die
آنها	salut!	آفرین	Hail
الف	chut!	خاموش	Whish
اف	bah!	آخ	Pish
اسفل	bas	پایین	Below
تحسین	autour	اگرچه	Around
فی	dans	در	It



آیا بود روی مرا هر چند دوا ایم آورد  
دست بچین بسلف بجا پذیرا داشت

عربی دار پارسی  
بن آبا *est-ce que*

لی مرا *me - moi*

ولو هر چند *quoique*

وایم مدام *toujours* همواره

بلدا بچین *comme*

کفی حب *en soufflet* بس

هنا *ici* اینجا

ماذا *qu'est-ce que c'est* چیست چیرت

فی بحر الزل

دل وین عشق توام داد به باد  
نیست خبر وصل توام میج

فعلاتن فدا تن فداست  
از دل ما بشمار قلع بیاد

بهر سال که است تو دوست  
پیوسته آنکه معنی استاد

است پیوسته شد بر سر کرد  
تو تر که تو چرخ و پست

عربی فرانسه پارسی  
نمیزد *l'élève* شاگرد

معلم *maître* استاد  
*Sister teacher* میلاد

گفت گشت مران قیامت  
حرکت اسبیل نام نهاد

عربی فرانسه پارسی

قوت صوت *accent*

حرکت *syllable*

ساو برین بادش و قول نجیب  
دیش نش و این صاف فراد  
هست دیش نش و این صاف فراد

عربی فرانسه پارسی

ملک کسری *roi* پادشاه  
*Sovereign* شهریار

نجیب *noble* گوهری  
*Noble*

آصل نسب *la race* نژاد  
*De vent origin* گوهر

تیری ظلم و چون ظلم تیر نشست  
داوگر جنت بود جنتی داد

عربی فرانسه پارسی



ظلم ضیم جور *injustice* مستم *tyranny*

ظالم *tyran* *tyrant*

عادل *juste* دادگر *just*

عدل *justa* نضاف داد *justice*

اور پست پیر نخل و خلیل پیر لئی پیرل جود و جواد

عربی *avarice* و انسا پاری *franchise* *liberty*

سخت *avarice*

بخیل *avare* زفت *avarice*

جود *don* بخشش *liberally*

جواد *liberal* جوهره *liberal* راد *liberal*

کری از شری خالق پیرل چون کچورس و عیسی عباد

عربی *avarice* و انسا پاری *franchise* *liberty*

خالق دیر *avarice* پاری *avarice* *avarice*

عباد خلق وری امام *avarice* *avarice* *avarice*

افریکان *avarice* *avarice* *avarice*

نیشن امت چو پامل خور *liberty* *liberty* *liberty*

عربی *liberty* *liberty* *liberty*

امت *liberty* *liberty* *liberty*

نبی *liberty* *liberty* *liberty*

رخت *liberty* *liberty* *liberty*

عمر *liberty* *liberty* *liberty*

دود زخم است و پست *liberty* *liberty* *liberty*

عربی *liberty* *liberty* *liberty*

برخت *liberty* *liberty* *liberty*

ضاد *liberty* *liberty* *liberty*

وجع *liberty* *liberty* *liberty*

آین *liberty* *liberty* *liberty*

نیشن *liberty* *liberty* *liberty*

عربی *liberty* *liberty* *liberty*

سخت *liberty* *liberty* *liberty*

سخت *liberty* *liberty* *liberty*

سخت *liberty* *liberty* *liberty*



نقش	painture	نقاش	Picture
نقاش	peintre	نقاشگر	Painter
صید	chasse	شکار	Chasse
صیاد	chasseur	شکارگر	Chasseur
این ربط است و گرنه است معنی که			
عربی	فارس	پارسی	سیکله
رباط	auberge	غوثا	Iron
رواج	courant	روا	Current
کساد	fat-currency	منک	fat-currency
شیق قاب بود و صاف کمر آرخ طاق است و گرنه			
عربی	فارس	پارسی	سیکله
قاب	forme	اندازه	Shape
صف	lumiere	روشن	Clair
طاق	plafond		Arch

عماد	alline	استون	Pillar
شیت	شیر	شیر	شیر
عربی	فارس	پارسی	سیکله
محبش	feuille	چاد	Sheet
ضد	rideau	شادروان	Curtain
قوی	fort	زورمند	Strong
تراب	dal	خاک	Soil
و پیچور گرس و پیچور و قوت است و گرنه			
عربی	فارس	پارسی	سیکله
نسر	paule	گرگرس	Collene
	amadeu	قو	Turan
بط	canard	مرغابی	Duck
	milan	خاد	Kite
دو خمیر است و فلز است چو ارد			



عربی فرانسه پارسی  
خمیر عجين pate

دough

دقيق subtle آرد بى

St. Louis

Round پيرى گرد گرد

قمة cime چکاو کلاه کوه

Sop

سایز اندازه دالويز مدام

عربی فرانسه پارسی

قواره grandeur اندازه

Size

دام دایم toujours همیشه جاوید جاوید

Stamps

جمل حسن tous نیکو

Help ایدد یاری کردن

Help

بیت حمید و چورنگ است فشرده گیم خون آمد و است سجاد

عربی فرانسه پارسی

لف phier پیچید

Best

م

عصر prasser فشرده فشرده

Wring

جابه meat آمد

Cure

قام etre debout سجاد استناد

Steel

لغت نیت است شب پیکر خانم ولد سپهر و پیر برادر

لغت نیت است شب پیکر

عربی فرانسه پارسی

الليلة باره avant hier پیش دوش

Salt-meat

سیده madame خانم بی بی

Lady

ابن le fils پسر

Sad

ولدت deponiller برادر

Banc

نی سحر الحجت

نوشن باد یا قوتی از کعبه که ساحتی براند تر از سحر جان

مغایر غیاثی مغایر غیاثی

میننگ معنی کاند خروف

عربی فرانسه پارسی

ب



Meaning	معنی	signification	خوشه
Paper	کاغذ	le papier	فرس کاغذ
Letters	حروف	la lettre	
Pen & quill	قلم	le canif	قلمش
File	میل	une	سونا
	حکایت	شعری است	چون شیری
	عربی	فرانس	پاری
Story	حکایت	conte	افسانه
History	تاریخ	histoire	ماوراء
Dictionary	لغت	dictionnaire	فرهنگ
Language	زبان	la langue	
	فروغ	میوه	پیش از چرخ
	عربی	فرانس	پاری
Fruit	فاکمه	le fruit	میوه

Table	میز	la table	
Chair	کرسی	Chaise	
Foreign	غریب	Etranger	خارجی
Guest	ضيف	hôte	فرمان
	میزبان		چاپ
	عربی	فرانس	پاری
Amor	کوز	amant	پادشاه
Hazel	قدق	noisette	گلوز
Salt	جوز	noix	گردو
Pomegranate	رمان	grenade	آمار
	کافی	قهوه	پیش از چرخ
	عربی	فرانس	پاری
Coffee	قهوه	le café	بن
Milk	لبن	lait	شیر

نست و اندک نوبت به منزل می گردانند  
ساز کرده به هم و قدق و رمان



Basin	جام	جام	جام
Jauces	سبزیجات	la sautoupe	
Cups	جام	la tasse	فنجان
	چرخ میست و هم لونه		گر چرخ میست و هم لونه
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
Grasse	چربی	graisse	دُمُش
Meat	گوشت	la viande	گوشت
Yellow	زرد	enf	زرد
Lamb	بچه		بچه
Rice	چام	creu	چام
Seast	زبان	zote	زبان
	معدل است که گوشت را چرخ میزند		معدل است که گوشت را چرخ میزند
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
Equinoctial	عقربون	Equinoctial	عقربون
Voie lactee	آسمان	voie lactee	آسمان

شماره مرکز شهر چوبدین

Cercle	چتره	عربی	مراسه
Compass	پرگار	فرجار	پرگار
Centre	مرکز	centre	مرکز
Middle	مرکز	entre	مرکز
	دست است و ام و پروام		دست است و ام و پروام
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
	چرخ میست و هم لونه		چرخ میست و هم لونه
Debt	وام	dette	وام
Debtor	وام	debiteur	وام
Bitter	طخ	amer, ere	طخ
Stute	خاموش	silence	خاموش
Sourel	آواز	chanton	آواز
Sign	زبان	signe	زبان



رایل حضرت  
آئینہ واد و بوس منقش و منقش  
چو سیف امن بود سوط کشیدن

عربی	فارس	پارسی
رماد	cendre	خاکستر
منقش	royal	دوم
مقش	circum	دکارد
امن	surete	ایمن
سوط	faucet	تازانه
مکان	endroit	جائی گار و غیر
کوبی نمبر نماییه	وارث	چنانچه رنگ غلط گیت است

عربی	فارس	پارسی
جار	la voisin	همسایه
وارث	heredite	میراث
غلط	faute	غلطی
زبان	langue	زبان

خیال فنی فانت است فکر و خیال  
گویش شن است سول پرو

عربی	فارس	پارسی
خیال	imagination	آئینه بند
فکر	pensie	بکال
عقل	esprit	خرد و فہم
سوال	demand	پیش
برآن	raison	دل
کلات	سین	چنانچه رنگ بریم بودین

عربی	فارس	پارسی
کلات	stoffe	کلات پارچه بزرگ
عقل	raison	دل
ایریم	me	ایریم
گمان	chance	گمان

توقیر شمری پیچ هم مفرد و جمع  
چنانچه در بود هم غزال هم غزال



عربی فرانسیسی پارسی  
نیکه

نیکه gentie کشف

غزال غزالان daim آهو آهوان

نیکه است چو عشق عاشق است کی است آدم عیاشی جلدی

عربی فرانسیسی پارسی  
نیکه

محبوب Beloved تاز جان

عشق Lover عاشق عاشق

عاشق Gay خوشگوار

ضیاء Children کودکان

رسمت قین و چو کزین آمد بخار هر چو نیک بود اول است مرشد

عربی فرانسیسی پارسی  
نیکه

قین قین صدا و بهر قی — آهنگر بنامین Smith

نکار قشق Carpentier دروگر

فقیس منقره marleau پتک خایک Hammer

علاقه d'ent l'enture رندان

گر این است پیش ز برید است چم است جبهه کمال و جوان

عربی فرانسیسی پارسی  
نیکه

نشین cher - e گر این بهادر Precious

نیکه la topaze درجده

جواهر bijou

مرجان corail کاهه بند Coral

و در هوا و غم و شرم و بی منتش معارف و شناسی و بیست و چون

عربی فرانسیسی پارسی  
نیکه

هوا Pair سلاک باد هوا Weather

عناصر elements دشمن عناصر Elements

مخاد کشف cane شکست کاباره گویه cane

جوان d'enture جادو Breast

شرع سبیل و نصیحت است و بیست و و الی و در بدو و چون فلد و توان

نیکه



انگلی

Sail

Ship

Mast

Vapour

Steam

A level

انگلی

Went

Distress

Whist

Boon

عربی

شراع

کشتی

دکل

بخار

دب

ظرفان

شماره و هم رحم کلین را کند نیز

عربی

رحم

کلین

ساید

عظم

استخوان

استخوان

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

دست بفرستند و اگر کسی  
کند و بگوید که نورش منان

عربی

شراع

کشتی

دکل

بخار

دب

ظرفان

شماره و هم رحم کلین را کند نیز

عربی

رحم

کلین

ساید

عظم

استخوان

استخوان

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

انگلی

Expect

Tear

Sample

Accusation

انگلی

Heard

Cattle

Stall

Shepherd

انگلی

Jacob

Jacob

Jacob

Jacob

Jacob

Jacob

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

عربی

انتظار

دمنع

سراج

بهمان

فلان

عربی

قطع

انعام

زرخ

راعی

عربی

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب

یعقوب



الحق هو

كَنْعَان Canaan

جلسه بیست و نهم

عربی      مراد      پاری      اکلمے

Hyssopus عبث

شام *Syrin* بقول معجم ثماما وئلاک *Syrin*

Preussien  Proussie

Persia ایران Persia

بسال شصت و نه از بعد کیمیا رویه روز ششمیت شش از مه شعبان

بروز چهارم اردیبهشت که سال حساب شد

که بود زهره و خورشید و تر و درخشان  
دو سخن بامه در کاوشتر می گمان

که روز شنبه بودم بودم و او

تمام کردید بن شعر باطنی فقر و ان

تبع روز جمعه با دو هم نشانی اکرم<sup>۱۵۴۹</sup> هجری و قریب شد که که در قاضی محمد علی قزوینی این خط

فیہ جب تک کہ حضرت ولیم سرکار نواب شرف ولایب الدیلا شرافت میرزا، جو فرما رہے ہیں

ارادت الهی فی عالم جمیع با برزخ انوار الهی است و در خفا و در غایت کبریا و در غایت کبریا و در غایت کبریا

و در وقت خود بسیار محروم شده و حال از حد خطافت قلم مستر که مصلحت در ماکت نخواهد

و اما از آنکه که تکرر مشرب و شام خوردن و آب بطران و غیره در وقت غیبه ضرر مند و اگر چه

و طول نمر و کثرت غنای فخر الملاحه دارند و مرد و نیک که جود قدرت و انوار عظمی از خود می آید

انما حق فرموده قول فرماید که سهو خطا و لغو

ازم شربت بن وایک

عليه السلام

have been dismissed. To national feeling with

in my name to his Royal Highness D.

Seventeen Merga in the <sup>English</sup> translation, p.

visions of Mr. Cook which I hope will be

the gift to have the miller on 129 of July 18



the book belongs to Sutton Co. N. Jersey

111

the book belongs to  
Sutton Co. N. Jersey written  
in the year 1853

September  
Sept 1853



For class use only

the  
book  
belongs  
to



— log 1







